



## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار خانواده های شهدای کاشان، آران و بیدگل - 20 / آبان / 1380

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند متعال را سپاسگزارم که توفیق داد در اولین لحظات ورود به این دارالمؤمنین و شهر سرشار از محبت و معرفت، در این جمع معطر به عطر شهادت حضور پیدا کنم و با شما خانواده های عزیز شهیدان، جانبازان، آزادگان و ایثارگران عزیز کاشان و آران و بیدگل این دیدار صمیمانه را داشته باشم. این مجلس، مالمال از عواطف و احساساتی است که یکسره از معنویات سرچشمه می گیرد. معمولاً جمع منسوب به ایثارگران و شهیدان، همین طور است. آن جا که احساسات وجود دارد، منشأ آن، منشأ معنوی و الهی و دینی و ملکوتی است؛ چون شهدا وابسته به ملکوت الهی هستند. این احساسات، بسیار شریف و عزیز است و خدا کند مسؤولان ما قدر عواطف این مردم عزیز و بخصوص خانواده های شهدا و ایثارگران را بدانند و در مقابل این نعمت بسیار ارجمند و والا، قدرشناسی کنند. نکته مهمی که در باب شهیدان ما وجود دارد، این است که شهدای ما اگرچه با بال و پر احساسات پرواز کردند؛ اما راهنمای آنها عقل و منطق و استدلال بود. برای همین است که حرکت عظیم ایثار، شهادت، جهاد و فداکاری در کشور ما توانست در همه اقشار جامعه، در میان برترین فکرها و ذهنها و استعدادها، جایی خود را باز کند. اعتقاد من این است که فرزندان شهدا باید به پدران خود افتخار کنند؛ هم از این جهت که اینها نشانه های ایثار و فداکاری و سربلندی و افتخار یک ملتند، هم از این جهت که چشمه های گشوده و جاری شده معرفت و شناخت حقیقتند. نباید خیال کرد که جوان و دلاور میدان نبرد و رزم ما از شهر و روستا خود را به میدان جنگ می رسانید و زحمات را تحمل می کرد، فقط به خاطر غلبه احساسات. این طور نیست. البته احساسات الهی و اسلامی و انقلابی و معنوی، بسیار مبارک و مغتنم است؛ اما فقط احساسات نبود؛ هدایت عقلانی بود؛ می فهمیدند چه کار می کنند. جوانانی که یادگاران شهدا هستید! پدران و مادرانی که پرورش دهندگان شاهدان و ایثارگران بودید! همسرانی که زمانی را با شهدا سپری کردید! شهیدان عزیز جزو کسانی بودند که نور حقیقت را در لابلاي ظلمتهای متراکم زمانه دیدند و به سوی آن شتافتند. مهم این است. خلیفه حقیقت را نمی بینند و نمی فهمند؛ خلیفه حقیقت را می بینند، ولی شهامت و جرأت اقدام برای حقیقت را ندارند؛ اما کسی که هم توانایی آن را دارد که حقیقت را بیابد و ببیند و هم جرأت و دلیری این را دارد که به سوی حقیقت بشتابد و وظیفه خود را در این راه انجام دهد، او در هر برهه ای از زمان که باشد، یک انسان برجسته است؛ پیر باشد، جوان باشد، نوجوان باشد، زن باشد، مرد باشد؛ در هر قشری از قشرهای اجتماعی باشد.

نظام اسلامی ما در دنیایی، در محیطی، در برهه ای از زمان خود را مطرح و درمیان بشریت حضور پیدا کرد که سلطه گری ظالمانه، تمام ابعاد وجود بشر را فرا گرفته بود. مسأله این نبود که حکومت ظالمی در این جا وجود داشت و فقط می خواستند آن را برکنار کنند. حکومت ظالمی که در کشور ما با سلطه و زور و خشونت و جهالت خود بر مردم حکومت می کرد، از سوی نظام بین المللی و سردمداران قدرت جهانی مورد تأیید و حمایت بود و مبارزه با او، مبارزه با تمام مراکز قدرت بین المللی در آن زمان بود. هنگامی که انقلاب پیروز شد و این مانع از سر راه ملت ایران برداشته شد، همان مراکز قدرت جهانی، کارشکنی علیه ملت ایران را آغاز کردند. نشان دادند که این شبکه اختاپوسی قدرت ظالمانه که از رژیم خونخوار پهلوی حمایت می کرد، همچنان مدعی حقیقت است؛ مدعی ملت ایران است؛ مدعی و مخاصم هر حرف حقی است که از دهان و حنجره کسی خارج شود. لذا در جنگ تحمیلی هشت ساله، همان مراکز قدرت علیه ملت ایران همدست شدند. چه کسی می تواند این حقایق را که در زمان خود او اتفاق می افتد، علی رغم تبلیغات وسیع جهانی، از بن دندان بفهمد، به طور عمیق درک کند، در او ایمان به وجود بیاید و این ایمان او را به حرکت وادار کند؟ آن انسانی که دل او منور به نور معرفت و فکر او روشن و زنده است. جوانان شما - عزیزانی که



به جبهه رفتند و شهید شدند - از این قبیل بودند.

جبهه های نبرد حقّ و باطل در ایران، به ظاهر جنگ با یک کشور همسایه و دفاع از سرزمینهای ایران بود؛ اما در باطن، دفاع از جبهه عدالت و حق در همه عالم بود. هر جای دنیا مظلومی وجود داشت، هر نقطه ای از عالم که گوینده ای حق را فریاد می کرد، جوان شما از او دفاع می کرد؛ برای او سینه سپر کرده بود و جان خود را در این راه داد. شما جوانان و فرزندان عزیز شهدا بدانید، این شهادتها و ایثارگریها و فداکاری پدران شما، خیل عظیمی از مردم را در دنیا با اسلام و ایمان و حقیقت آشنا کرد و آنها حق را شناختند. شهدای ما مظهر عقلانیت دینی و مدافع حقانیت و عدالت بودند. این یک افتخار بزرگ است.

بزرگترین خیانت به یک ملت این است که کسانی بخواهند با ابرهای تبلیغات، جلو خورشیدهای فروزانی که زندگی و تاریخ ملت را روشن می کنند، بگیرند. امروز هرکس که نام شهدا را کوچک بدارد و حرکت عظیم شهادت در کشور ما را - که به وسیله جوانان عزیز ما در آن دوران اتفاق افتاد - نادیده بگیرد و تحقیر کند، به تاریخ این ملت خیانت کرده است.

من به پدران و مادرائی که عزیزان خود را در میدان نبرد طولانی حقّ و باطل در این چند سال از دست داده اند، به فرزندانی که پدران شهید خود را هرگز ندیدند، به همسرانی که سنگینی فراق همسر و یار و غمخوار خود را تحمل کردند، عرض می کنم: عزیزان من! با شهادت عزیزانتان، شما خسارت و ضرر نکردید. عزیزان شما اگر از دست شما رفتند، اما در خزانه گرانبهای شهادت الهی، شخصیت شان همچنان محفوظ و حاضر و ناظر است. این زندگی می گذرد و همه کس خواهد رفت؛ اما آن کسی سرافراز است و بُرد کرده است که رفتن او از این دنیا، برای مردم و دین و تاریخ و کشورش دستاوردی داشته باشد. چنین انسانی است که خدای متعال او را از ملائکه هم بالاتر دانسته است. من بارها با همه وجود و از ته دل به بازماندگان شهدا عرض کرده ام، دعا کنیم خدا ما را با عزیزان و شهدای شما محشور کند؛ اینها هستند که پیش خدا مقام دارند. عزیزان شما به بهترین دستاوردی که یک انسان ممکن است دست پیدا کند، دست پیدا کردند. البته اجر شما هم بلافاصله پشت سر اجر شهید قرار دارد. بارها من گفته ام، خاکریز شهدا در مقابل دشمنان دین و حقیقت، خاکریز اوّل است؛ خاکریز دوم، خانواده های شهیدانند. پشت سر آنها شما هستید. این رنجهای شما و این فراقها و غصّه ها و محرومیت از دیدن و احساس کردن حضور عزیزانتان، پیش خدای متعال اجر دارد. خدای متعال به خانواده های شهیدان اجر بسیار بزرگی می دهد؛ بخصوص که آنها ناسپاسی هم نکردند. در تمام طول جنگ، خانواده های شهدا با سرافرازی، آن چنان از شهادت عزیزشان سخن گفتند که دیگران را هم تشویق کردند تا جوانانشان را به میدان شهادت بفرستند.

این شهر، شهیدان برجسته و عزیزی دارد. سرداران شهیدی از این شهر برخاستند. نمی شود نام آورد؛ فهرستشان طولانی است؛ شهید کریمی، شهید زجاجی؛ شهدای بزرگ، فرماندهان؛ کسانی که توانستند با حضور خود در جبهه، کار بزرگی انجام دهند. برجستگانی از کاشان و آران و بیدگل و مناطق پیرامونی این شهرستانها کارهای بزرگی کرده اند و استعدادهای بزرگی را در این راه از خود نشان داده اند.

آنچه که امروز برعهده مردم است، قدردانی از شما و شهیدان است. آنچه که بر عهده مسؤولان است، قدردانی عملی از خانواده ها و بازماندگان شهیدان و همچنین جانبازان و آزادگان است. آنچه بر عهده خود شماست، این است که نام و یاد شهیدان را با عمل و روحیه و زبان خود، همچنان عزیز و ارجمند بدارید. دشمن باید از زبان فرزندان شهدا چیزی را بشنود که مثل گلوله ای در دلش اثر کند. فرزندان شهدا امروز در همه جا هستند؛ در دانشگاهها، در مدارس، در مراکز کار و مسؤولیت، در سطوح مختلف. عزیزان من! هر جا هستید، نگذارید درخشندگی نور شهادت که در خمیره شماست، به وسیله ترفندهای دشمنان خاموش شود و افول پیدا کند. به شهادت و راهی که پدران و عزیزان شما در آن به شهادت رسیدند، افتخار کنید و بدانید اگر شهدا و جانبازان نبودند، اگر آن ایثارگریها و فداکاریها نبود، این ملت



امروز تیره روزترین ملت‌های منطقه بود. این که می بینید مردم بعضی از کشورها با داشتن دین و احساسات و حرف، جرأت و میدان ابراز آن را ندارند و مسؤولانی بر آنها حکومت می کنند که اجازه نمی دهند مردم عقاید و احساسات اسلامی خود را ابراز کنند، این وضعیت در این کشور به خاطر سلطه طولانی امریکا به مراتب از آن کشورها بدتر می شد؛ زندگی مادی و معنوی مردم لگدمال اهواء و اطماع دشمنان می شد. آن عنصري که به این ملت عزت و آبرو داد و در واقع حیثیت و حرمت ملت ایران را حفظ کرد، عزیزان شما - همین شهیدان و ایثارگران - بودند. من اعتقاد دارم همچنان که در دهه 60 جوانان این مملکت توانستند نام و پرچم اسلام را بلند و عزیز کنند، جوانان امروز هم با آگاهی و روشن بینی و صفایی که دارند، به فضل پروردگار خواهند توانست پرچم اسلام و عدالت و حقانیت جمهوری اسلامی را در جهان به اهتزاز در آورند.

پروردگارا! شهیدان عزیز ما را با اولیای خودت محشور کن. پروردگارا! این خونهای پاک بر زمین ریخته را - که مایه عزت این ملت شد - تا قیام بقیة الله الأعظم، در نهایت مبارکی و میمنت و سریلندی قرار بده. پروردگارا! بازماندگان شهدا - پدران و مادران، همسران، فرزندان، برادران و خواهران - را مشمول رحمت و لطف ویژه خود قرار بده. پروردگارا! ما را قدردان مقام شهدا و منزلت خانواده های آنها قرار بده. پروردگارا! این جمع ما و گفته ها و شنیده ها را مشمول لطف و قبول خود قرار بده.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته